

گذشته تولید و تجارت پسته

تجرباتی نیازمند نقد

نمونه استانی انتخاب گردید. در ادامه بحثی که تحت عنوان «گذشته چراج راه آینده» با آقای مهدی آگاه در ویژه نامه شماره ۶۵ داشتیم با ایشان به گفتگو نشستیم. آقای ابطی سخنان خود را توضیح بیشتر مطالبی می دانند که در آن مصاحبه ارائه شده بود.

امید است سلسله مباحث و گفتگوهای انجمن با صاحب نظران پسته کشور به نقد تاریخ پر فراز و نشیب تولید و تجارت پسته کشور کمک نماید. بر این اساس انجمن از مشارکت همه فعالان در این مباحثات استقبال می نماید.

حمید فیضی
دبیرانجمن پسته ایران

محمود ابطی دانش آموخته اقتصاد از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۰ خورشیدی است. رفسنجان است و به همین دلیل به زادگاه خود و مسائل آن علاقمند بوده و از دوره دانشجویی اطلاعاتی در مورد پسته جمع آوری کرده است. حاصل کار او تالیف دو کتاب است، او تاریخ اقتصادی رفسنجان را در سال ۱۳۷۲ و اقتصاد پسته را در سال ۱۳۸۵ منتشر کرده است. حدود ۱۵ سال در تعاونی تولیدکنندگان پسته رفسنجان که زمانی بزرگترین شرکت پسته ایران بود مسئولیت مالی داشت و هم اکنون به کار خرید و فروش پسته در داخل و خارج از کشور مشغول است و ضمناً عضو هیئت مدیره انجمن پسته ایران نیز هستند. او در سالهای ۸۷ و ۸۸ بعنوان صادرکننده

سپس بنابراین آیا می شود این طور گفت که افزایش سطح زیرکشت به دنبال افزایش تقاضا صورت گرفته است؟

چون از هنگامی که شخصی تصمیم بگیرد پسته کاری بکند تا زمانیکه به محصول برسد چند سال طول می کشد، تاثیر تقاضا بر عرضه پسته (یعنی بر تولید) مثل سایر محصولات کشاورزی نیست. اما به هر حال پسته به دلایلی مثل طعم عالی و بی نظیر آن، قابلیت نگهداری طولانی، زیبایی خود محصول و راحتی مصرف آن و ارزش غذایی بالا و ... هیچ وقت با مشکل کمبود تقاضا مواجه نشده است. در نتیجه در طی سالیان گذشته عرضه و تقاضا در کنار هم افزایش یافته اند. اما در چند نوبت افزایش سطح زیر کشت پسته از روال عادی خود خارج شده و افزایش زیادی یافته است.

سپس بنابراین ما در ارتباط با افزایش سطح زیر کشت با نقاط عطفی روبرو هستیم؟

بله. دقیقاً همین طور است که شما می فرمائید. ما در دو مقطع با نقطه عطف روبرو هستیم. یکی در اواخر دهه سی و اوایل دهه چهل و دیگری در دوران انقلاب.

در مقطع اول به دو دلیل ناگهان سطح زیر کشت افزایش یافت. اولاً چون باغات به موجب قانون اصلاحات ارضی شامل تقسیم نمی شدند، اراضی زیادی تبدیل به باغ شدند تا تقسیم نشوند. ثانیاً بهره برداری از آبهای زیرزمینی توسط موتورهای آبکشی رواج یافت. تا قبل از آن آبهای زیر زمینی از طریق قنات ها استخراج می شدند. با این روش به سرعت و با هزینه کم، آب بدست آمد و اراضی زیادی زیر کشت پسته رفت. بطوریکه در اوایل دهه پنجاه تعداد واحدهای بهره برداری به حد

زعیم الله در رفسنجان هستیم. اشخاصی مثل ایشان نه تنها در رفسنجان بلکه در سطح ملی در شمار تجار بزرگ بودند، هنوز هم در رفسنجان شما می توانید آثار به یادگار مانده از آنها را مشاهده بفرمائید. در منابع تاریخی معتبری این مطالب آورده شده است.

من اگر بخواهم همه آنها را شرح بدهم قصه طولانی می شود. همین قدر بگویم که در آن دوره به قول قدما قیمت املاک رفسنجان یک به ده افزایش یافت، بزرگران این بلوک (رفسنجان) اغلب حاجی شدند و ... به ویژه رفسنجانی ها در زمان جنگهای داخلی آمریکا (۱۸۶۵-۱۸۶۰ میلادی) سود سرشاری از راه تجارت و تولید پنبه بدست آوردند.

در آن زمان نساجی صنعت مهمی بود، آمریکا منبع تامین ماده اولیه کارخانجات نساجی بود اما در طول چند سال جنگهای داخلی، تولید پنبه در آمریکا متوقف شد. در نتیجه قیمت پنبه حدود ده برابر افزایش یافت و سرمایه زیادی در مناطق پنبه خیز از جمله رفسنجان تمرکز یافت.

بعد از اینکه جنگهای داخلی آمریکا تمام شد پنبه دیگر رونق سابق را نداشت. اما حالا دیگر تجارت خارجی به حدی توسعه یافته بود که کالای صادراتی مثل پسته امکان یافته بود که به بازارهای جهانی راه یابد. می دانیم پسته کاری نیاز به سرمایه اولیه کافی دارد و این جزئی از طبیعت پسته است. همانطور که عرض شد در رفسنجان سرمایه اولیه کافی وجود داشت.

اگر بخواهم خلاصه بگویم، وجود سرمایه اولیه کافی، زمین مناسب برای کاشت پسته و نامناسب برای کاشت سایر محصولات و رونق تجارت خارجی روی هم رفته باعث شدند رفسنجان مرکز تولید پسته ایران بشود.

سپس گفته می شود تولید پسته در ایران وقتی افزایش یافت که مردم فهمیدند برای پسته بازار وجود دارد، به نظر شما آیا اول تولید افزایش یافت و به دنبال آن بازار به وجود آمد یا این رابطه برعکس بوده است؟

پسته یک محصول کشاورزی است و تولید و مصرف آن قدمت بسیار زیادی دارد. قطعاً می توان گفت پسته از زمانهای بسیار دور در ایران مصرف می شده است و لاقلاً از ۵۰۰ سال گذشته به این طرف کمابیش صادر هم می شده است. اما از قرن نوزدهم به دنبال صنعتی شدن اروپا، تجارت جهانی به وضع جدیدی مطرح شد. اروپایی ها در جستجوی بازار برای کالاهایی بودند که بصورت انبوه تولید می شد. از آن زمان بود که تجارت جهانی توسعه اساسی یافت و آن دسته از محصولات ایران که قابلیت داشتند به طور جدی وارد بازار جهانی شدند.

پسته جزء محصولاتی بود که این قابلیت را داشت. بهمین خاطر از آن به بعد تولید آن بطور عمده نه برای مصرف تولیدکننده بلکه برای عرضه در بازار مطرح شد و در فاصله زمانی نسبتاً کوتاهی رفسنجان مرکز تولید پسته ایران شد. من نمی خواهم وارد جزئیات تاریخی بشوم اگر علاقمند باشید جزئیات را بدانید می توانید به نوشته های من مراجعه بفرمائید، من این حرف ها را مفصل و مستند نوشته ام.

سپس چرا رفسنجان مرکز پسته ایران شد؟

می دانیم رفسنجان، در میان مناطق قدیمی پسته ایران مثل دامغان، قزوین و ... در تولید پسته سابقه کمتری دارد. تقریباً تا اواخر قرن نوزدهم در رفسنجان بیشتر پنبه کشت می شده و تجارت آن بسیار رونق داشته است. در آن دوران ما شاهد وجود تجار بزرگی مثل حاج آقا علی

ممکن است شما بگویید زیاده روی کردند و باعث شدند قیمت بیش از حد بالا رود و سطح زیر کشت افزایش یابد. این بحثی جدی است. اما در بازار آن روز عرضه و تقاضا مطرح نبود. در آن بازار، مسایل همه سیاسی بودند.

سیاه بهتر نیست بگوییم توسعه بی رویه؟ آیا فکر نمی کنید این توسعه بی رویه منجر به هجوم کشاورز به منابع آب شد و این آثاری که الان می بینید مثلاً نابودی منابع آب نتیجه آن باشد؟

بله. من توسعه بی رویه را تایید نمی کنم اما کارکرد تعاونی را باید در دو مرحله ببینید. یک مرحله چند سال اول بعد از انقلاب تا سال ۶۵ که با سیاستی که دولت داشت که صادرات اساساً یک کار غلطی است، با پیمان ارزی و نرخ که برای صادرات گذاشت و عملاً صادرات را غیر ممکن کرده بود، عملاً نیاز به کسی داشتید که بتواند این کارها را انجام دهد. نقش تعاونی در این مقطع ارزنده بود. اگر تعاونی نبود اصولاً پسته از بین رفته بود.

سیاه اما عملاً در عرضه و تقاضا دخالت کردند؟

بله. شرایط خاصی بود. اقتصاد شرایط عادی نداشت.

اگر از پسته حمایت نمی شد احتمالاً درختهای پسته تبدیل به یک چیز دیگر می شدند. در آن دوره اقدامات تعاونی نه تنها باعث شدند که درختهای پسته از بین نروند بلکه باعث توسعه کشت پسته نیز شدند. بعدها به تدریج اشخاص جدیدی در بخش خصوصی بوجود آمدند. این نکته را هم یادآوری بکنیم که تعاونی هیچگاه انحصار کامل پسته را در دست نداشته است. در سال های بعد از انقلاب بطور متوسط ۵۰ درصد و فقط در یک سال ۷۰ درصد پسته توسط تعاونی صادر شده است.

آن موقع صادر کنندگان طرفدار تعاونی بودند زیرا تعاونی یک چتری بالای سر آنها بود. صادرکنندگان چون نقدی خرید می کردند می توانستند ۴۰ تا ۵۰ دلار کمتر از قیمت تعاونی بفرشند و سود خوبی هم ببرند.

سیاه فکر نمی کنید اگر می خواست توسعه ای اتفاق بیفتد باید بر اساس بازار عرضه و تقاضا می بود؟

بازار اروپا به دلیل همین سیاست تعاونی توسعه پیدا کرد. اگر سیاست توسعه بازار را در اروپا بد بدانیم، سیاست تعاونی هم بد بوده است. این که بازار اروپا به این شکل درآمد تبعات کار تعاونی بود.

بعد از انقلاب اغلب صادرکنندگان قدیمی یا نبودند یا اینکه در شرایطی نبودند که پسته صادر کنند. تب خودکفایی همه را فرا گرفته بود و اصولاً صادرات را کار شایسته ای نمی دانستند. مسئولین نگران بودند که از راه صادرات خروج سرمایه صورت بگیرد. پیش از انقلاب چند شرکت وجود داشتند که پسته صادر می کردند. شرکت صادرات پسته ایران، شرکت تعاونی، شرکت پارس و... از میان اینها یک شرکت، تعاونی و بقیه خصوصی بودند. در شرایطی که شرکت های خصوصی از کار مانده بودند، این شرکت تعاونی بود که سهامداران آن تعداد زیادی از مردم بودند و مدیران آن می توانستند علاوه برمقبولیت عام مورد قبول مسئولین مملکتی هم باشند. بنابراین کاملاً طبیعی بود که این شرکت فعال مایشاء پسته ایران بشود و همینطور هم شد.

در آن زمان دولت برای جلوگیری از خروج ارز مقررات سختی وضع کرد. این مقررات تا سالها ادامه داشت و مرتباً تغییر یافت. شرح آن بسیار مفصل و خود مطلبی جداگانه است. اما هرچه که بود در آن شرایط و با آن مقررات فقط شرکتی مثل تعاونی می توانست فعال باشد که کار آن، هم مورد تأیید مسئولین مملکتی باشد و هم، مردم به آن اعتماد داشته باشند.

سیاه در آن سالها قیمت پسته در بازار داخلی هم رشد قابل توجهی یافت. چطور این اتفاق افتاد؟

در آن سالها تعاونی قیمت پسته را تعیین می کرد. سوال این بود که پسته را باید با چه قیمتی خرید. در سال اول قیمتی که تعاونی برای پسته تعیین کرد، مورد قبول اتحادیه خشکبار نبود، آنها قیمت را زیاد می دانستند.

قیمتی که تعاونی در سالهای اول می گذاشت همیشه از قیمت بازار روز بالاتر بود. تعاونی اصلاً بحثش این نبود که پسته در بازار جهانی به چه قیمتی فروش می رود. می گفتند تولید پایین تر از این قیمت صرف ندارد. دیگران می گفتند که با این قیمت هایی که شما گذاشته اید نمی توانید پسته ها را بفروشید. مدیران تعاونی ایستادگی کردند و گفتند نه. همین است که ما می گوییم. در سال های اولیه پس از انقلاب پسته چندان هم صادر نمی کردند. وامهای کلان می گرفتند و پسته را انبار می کردند اما نمی توانستند صادر کنند. عملاً صادرات پسته از سال ۶۵ به بعد شروع شد. اگر تعاونی خدمتی به پسته کرده باشد که به نظر من کرد و باعث شد که پسته نابود نشود، همین جا بود. تعاونی با نفوذی که داشت نگذاشت قیمت پسته پایین برود.

اشباع رسید و منطقه ممنوعه شد. این وضع ادامه داشت تا اینکه در آستانه انقلاب و چند سال بعد از آن که ادارات ذریبط از کارکرد خود بازمانده بودند، دوباره تعداد زیادی واحد کشاورزی ایجاد شد و ناگهان سطح زیر کشت افزایش فوق العاده یافت.

سیاه در آن سالها پسته به چه مقاصدی صادر می شد؟

به استناد آنچه مرحوم جمال زاده در گنج شایگان می گویند، در اوایل قرن میلادی گذشته اگر خشکبار ایران را پنج قسمت بکنیم؛ چهار قسمت آن به روسیه و یک قسمت آن به هندوستان صادر می شده است. به عبارتی قسمت عمده خشکبار به روسیه صادر می شده است.

بعد از انقلاب ۱۹۱۷ بلشویکی در روسیه، معلوم است که روسیه دیگر نمی توانسته خریدار پسته ایران باشد. بنابراین از همان سالها پسته ایران به دنبال بازار جدید بود. این بازار می توانست آمریکا باشد و همین طور هم شد.

اینجا لازم است چند نکته را عرض بکنم. یکی اینکه شواهدی وجود دارد که در آن سالها مقداری از پسته ایران به کشورهای عربی (به مرکزیت بیروت) صادر می شده است. نکته دیگر اینکه پسته بیشتر از مرکز (تهران) صادر می شده است تا مناطق پسته خیز. تا آنجا که می دانیم در اوایل سال های ۱۳۰۰ از مناطق پسته خیز بطور مستقیم دونفر پسته صادر می کرده اند. یکی مرحوم غلامرضا آگاه که خود تولید کننده و صادرکننده و ساکن منطقه پسته خیز هم بوده اند و دیگری شخصی ارمنی بنام آقای دکتر "دیکران آغاجانیان" که به رفسنجان می آمد و از آنجا بیشتر برای شرکت اطمینان بطور مستقیم پسته به آمریکا صادر می کرد. نکته آخر اینکه صادرات پسته حجم چندان هم نداشته است. براساس آمار موجود در آن سالها حدود ۵۰۰ تن پسته در سال صادر می شده است. این وضعیت کمابیش تا زمان انقلاب ادامه پیدا کرد و هر چه تولید افزایش یافت بازار آمریکا به راحتی آن را جذب کرد.

پس از انقلاب وضعیت تغییر یافت. پسته ایران راهی بازار اروپا شد. چگونگی آن را جناب آقای آگاه توضیح کافی و روشن داده اند. نکته ای که من می توانم اضافه کنم این است که شرح بیشتری بدهم راجع به اینکه پسته از ایران در چه شرایطی و به چه صورتی صادر می شد و اینکه تعاونی چه نقشی داشته است.

سیاه بعد از انقلاب چه تغییراتی در صادرات پسته اتفاق افتاد؟